تحلیل موضوعی قسمت چهاردهم سریال معمای شاه

انتصابات ضد مردمی در قالب انتخابات فرمایشی

۲۳ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۰۷

از زمانی که رضاخان سلطنت پهلوی را در سال ۱۳۰۴ تاسیس نمود و استبداد و اختناق سیاسی در اقصی نقاط کشور جاری و ساری شد، می توان گفت که برگزاری انتخابات آزاد و قانونی محلی از اعراب نداشت و شاه پهلوی با برگزاری انتخابات فرمایشی بیشتر افرادی را وارد مجلس می نمود که بله قربان گو و جانثار سلطنت پهلوی بودند..

جوان و تاریخ- ادب و هنر

مقدمه

بدون شک یکی از آرمانهای اصلی و اولیه نهضت مشروطه، برقراری آزادیهای سیاسی و اعمال تام وتمام حق تعیین سرنوشت سیاسی از جانب مردم بود، حقی که به عنوان یکی از پایه های اصلی حکومتهای مردمی و دمکراتیک مطرح می شود. ازاینرو یکی از مهم‌ترین خواسته‌هایی که از سوی مشروطه‌خواهان همواره در صدر مطالبات قرار گرفته بود، تشکیل عدالتخانه بود که بعدها به نظام مشروطه و مجلس شورای ملی تغییر کرد. می‌توان عنوان کرد که استقرار نظام پارلمانی در ایران یکی از مهم‌ترین رهاوردهای نهضت مشروطه بوده است. مجلسی که با برگزاری انتخابات آزاد و قانونی می بایست زمینه های حضور نمایندگان منتخب مردم را فراهم نماید. اما به مرور زمان مجلس شورای ملی نتوانست آنطور که باید و شاید محلی برای احقاق حقوق مردم باشد و بیشتر به محلی برای تامین منافع سلطنت و پادشاه زمان تبدیل شد و این امر در دوران پهلوی اول و به ویژه در دوران پهلوی دوم بیشتر خود را نشان داد و محمدرضاشاه با برگزاری انتخابات فرمایشی و نمایشی بیشتر مجلس را به بازیچه دست خود تبدیل کرده بود. درواقع مجلس در دوران پهلوی دوم با فاصله گرفتن از آرمان‌های خود، تبدیل به نهادی فرمایشی، تحت استیلای کامل شاه و دربار و ابزار اجرای منویات شاهنشاه شده بود و انتخابات آن نیز در واقع شعبده‌بازی دموکراسی و نمایش صوری آزادی‌خواهی در ایران بود. از نگاه نگارنده، غلظت این مسئله در مورد مجلس بسیار شدید بود و با نگاهی حداکثری می‌توان همین ویژگی را در مورد احزاب و سایر نهادهای مدنی دوره‌ی پهلوی دوم نیز مشاهده کرد.

محدودیت قدرت سلطنت، اولین آرمان تشکیل مجلس شورای ملی

همانطور که اشاره شد از زمان نهضت مشروطیت نیز اولین خواست مردم ، تاسیس نهادی به نام عدالتخانه بود که بعدها خود را در قالب مجلس شورای ملی سازماندهی نمود. به عبارت دیگر تاریخ تشکیل اولین مجلس در ایران به انقلاب مشروطه برمی گردد که طی آن «مظفر الدین شاه» فرمان تشکیل آن را ۱۶ مرداد ۱۲۸۵ شمسی صادر کرد و نظام نامه آن را ۱۷ شهریور همان سال امضا کرد. شاید بتوان هدف اصلی مشروطه خواهان از تاسیس مجلس را تیر خلاص زدن بر کالبد استبداد ایرانی عنوان کرد که نماد بارز آن شاه ظالم قاجاری بود. تاسیس عدالتخانه یک امر اصلاحی بود؛ یعنی متحصنان در ابتدا خواستار تغییر رویکردها و شیوه‌ها بودند، اما آنجا که صدای پای مجلس به گوش رسید، مشروطه‌خواهان پا را از اعتراض و اصلاح فراتر گذاشته بودند و انقلاب را فریاد می‌زدند؛ انقلابی که مهم‌ترین ابزارش مجلس و مهم‌ترین هدفش محدود کردن حدود پادشاه بود و اینجا بود که مجلس ایرانی و مجلس مشروطه متولد شد. اگر عدالتخانه همچنان جایگاهی برای شاه قائل بود، مجلس هدف اصلی‌اش شخص پادشاه و قدرت نامحدود وی بود.

انتخابات آزاد و طنز سیاسی دوران استبداد رضاخانی

از زمانی که رضاخان سلطنت پهلوی را در سال ۱۳۰۴ تاسیس نمود و استبداد و اختناق سیاسی در اقصی نقاط کشور جاری و ساری شد، می توان گفت که برگزاری انتخابات آزاد و قانونی محلی از اعراب نداشت و شاه پهلوی با برگزاری انتخابات فرمایشی بیشتر افرادی را وارد مجلس می نمود که بله قربان گو و جانثار سلطنت پهلوی بودند . دوره ششم مجلس شورای ملی اولین انتخاباتی بود که در دوره سلطنت خود رضاشاه برگزار می‌شد. در این دوره رقابت‌های حزبی و مرامی نسبت به دوره قبل تا اندازه زیادی کاهش پیدا کرد. هرچند در بعضی جراید و روزنامه‌ها مثل «اطلاعات» و «آینده» به مبحث انتخابات به‌طور کلی پرداخته می‌شد اما آن انتقادات صریحی که قبلاً وجود داشت در مطبوعات دوره ششم به بعد دیده نمی‌شود. درواقع در دوره رضاخان انتخابات آزاد نبود و هر کس را دربار بخواهد انتخاب می‌شود. رضاشاه به نمایندگان مستقل می گفت «نمایندگی مجلس دیگر به کار شما نمی‌خورد زیرا شما مقید هستید کارها از روی قانون جاری باشد.» از این عبارات نتیجه می گیریم که انتخابات در عصر رضاخان بیشتر به عنوان یک «شعر» قلمداد می ششده است. [۱]

وقتی پسر چکمه های استبداد پدر را به پا می کند

به اعتقاد اکثریت تحلیلگران تاریخ معاصر ایران، محمدرضاشاه در استبداد و ایجاد جو اختناق سیاسی و اجتماعی بر پدر خود پیشی گرفت. در یک تحلیل کلی باید عنوان کرد که پهلوی دوم در نمایش دموکراسی، از پهلوی اول پیشی گرفت و انتخابات

مجلس در این برهه تبدیل به نوعی دموکراسی از مدل شاهنشاهی گشت و افرادی دست‌چین‌شده و مطابق با میل همایونی عمدتاً وارد مجلس و مسند قانون‌گذاری می‌شدند. روی کار آمدن محمدرضاشاه مقارن با زمانی شد که انتخابات مجلس سیزدهم در دوران رضاخان برگزار شده بود و نمایندگانی دلبخواه از سوی رضاشاه با تأیید شهربانی به مجلس ورود پیدا کرده بودند و وی حتی زمانی که با دیدن لیست دولت که قصد داشت تعدادی نماینده‌ی جوان وابسته به خود را وارد مجلس کند، گفت مگر وکلای سابق چه عیبی داشتند که به‌جای بعضی از آن‌ها اشخاص دیگری را در نظر گرفته‌اید. همین مسئله نحوه‌ی نگرش رضاخان به مجلس و جایگاه این نهاد را در شاکله‌ی فکری و سیاسی وی عیان می‌کند. این روند در دوره‌ی پهلوی دوم نیز به‌صورتی دیگر ادامه پیدا کرد. بیگانه‌هراسی، انحصارگرایی سیاسی و شخصی بودن ساخت قدرت، مهم‌ترین عواملی بودند که به محمدرضا به‌لحاظ روانی اجازه نمی‌دادند تا قدرتی برتر از خود را ببیند و در همین راستا، ارتش، مجلس و کابینه کاملاً تحت سیطره‌ی وی بودند و شاید در این میان، مجلس از درجه‌ی غلظت وابستگی بیشتری برخوردار بود.[۲]در مجموع می توان مولفه های بارز مجلس شورای ملی در دروه پهلوی را اینگونه توصیف نمود:

الف) مشارکت محدود مردم در انتخابات به دلیل فقدان اعتماد بین مردم و حاکمیت

ب) انتخاب افرادی که حافظ منافع سلطنت بوده و از قبل رای آنها در صندوقهای ساختگی ریخته شده بود

ج) حضور احزاب فرمایشی و دستوری ، احزابی که ساخته دست پهلوی بودند و حضور در انتخابات فضای رقابتی را از سایر کاندیداها می گفت.[۳]

همچنین در دوره پهلوی دوم یک کمیسیون مرکب از عناصر مورد اعتماد از جمله امیراسدالله علم، ارتشبد فردوست و حسنعلی منصور مأمور انتخاب مهره‌های جدید شد. این سه نفر هر روز در خانه اسدالله علم تشکیل جلسه می‌دادند و اسامی افراد پیشنهادی و سوابق آنان را که از سوی ساواک فرستاده شده بود، بررسی می‌کردند و عده‌ای را برای نمایندگی مجلس شورا و تعدادی را برای مجلس سنا و گروهی را برای احراز مشاغل اداری رده بالا انتخاب می‌کردند. ارتشبد حسین فردوست که به دستور شاه و به عنوان رابط ساواک در این جلسات حضور داشت، مشاهدات خود در این مورد را به طور مفصل در خاطرات خود به رشته تحریر درآورده است. براساس نوشته فردوست امیراسدالله علم در این جلسات، دست بالا را داشت و تصمیمات نهایی توسط او اتخاذ می‌شد.
فردوست می‌گوید:
«در زمان نخست‌وزیری علم، محمدرضا دستور داد که با علم و منصور یک کمیسیون سه نفره برای انتخاب نمایندگان مجلس تشکیل دهم. کمیسیون در منزل علم تشکیل می‌شد. هر روز منصور با یک کیف پر از اسامی به آنجا می‌آمد. علم در رأس میز می‌نشست، من در سمت راست، و منصوردر سمت چپ او. منصور اسامی افراد مورد نظر را می‌خواند وعلم هر که را می‌خواست تأیید می‌کرد و هر که را نمی‌خواست، دستور حذف می‌داد. منصور هم با جمله «اطاعت می‌شود» با احترام حذف می‌کرد. سپس

علم افراد مورد نظر خود را می‌داد و همه بدون استثناء وارد لیست می‌شدند و سپس من درباره صلاحیت سیاسی و امنیتی آنان اظهار نظر می‌کردم و لیست را با خود می‌بردم و برای استخراج سوابق به ساواک می‌دادم. پس از پایان کار و تصویب علم ترتیب انتخاب این افراد داده شد. فقط افرادی که در این کمیسیون تصویب شده بودند، سر از صندق آراء در آوردند و لاغیر....»[۴]

در جمع بندی نهایی باید بگوییم که ازآنجاییکه استبداد رضاخانی تیرخلاصی به آرمانهای اصیل و واقعی مشروطه زده بود و با ادامه حکومت استبدادی محمدرضاشاه نیز، پارلمان و مجلس که یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی محسوب می‌شوند و در سراسر دنیا به‌عنوان رویه‌ای برای افزایش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود محسوب می‌شوند، نتوانست جایگاه حقیقی خود را در ساختار سیاسی حکومت پهلوی پیدا نماید. در واقع پارلمان در دوران پهلوی با توجه به ساخت پدرسالارانه‌ی پهلوی اول، به نتیجه نرسید و در پهلوی دوم نیز دال‌هایی مانند انحصارگرایی سیاسی، بیگانه‌هراسی، اعتماد به حلقه‌ی نزدیک اطرافیان و شخصی شدن ساخت سیاست، سبب شد تا مجلس تبدیل به نهادی فرمایشی شده و میزان مشارکت مردم نیز در انتخابات آن کاهش یافته و افراد صرفاً براساس نزدیکی به شخص پادشاه به‌عنوان نماینده انتخاب شوند.

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۷۷۱/انتصابات-ضد-مردمی-قالب-انتخابات-فرمایشی